هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

دور ششم – سال هشتم – شمارهٔ دوم ۱۵ حمل ۱۳۸۸ - ۹- ربیع الثانی ۱۴۳۰ - 4April 2009

سرمقاله

تمدید ریاست جمهوری شدیدا مایهٔ نگرانی است

ص۲

درس هایی که از بهار باید آموخت

ص۴

احمدضیاء مسعود و یک تصمیم تاریخی



شهیداحمدشاه مسعود با کنار رفتنش از پست وزارت دفاع حکومت مجاهدین به اثر درخواست حکمتیار کوچک نشد بل بیشتر عظمت کسب کرد واستاد ربانی زمانی که قدرت را انتقال داد درحالی که می توانست آن را در دست داشته باشد، و نیززمانی که از کاندیدا شدنش به پست ریاست پارلمان به نفع آقای قانونی گذشت جایگاهی بلندتر یافت.

ص۳

په دوحه کې د عرب د کنفرانس په مناسبت:

بشیر ټارګټ، او سوډان ولې دفشارلاندې؟

شفیق

پدې وروستیو کې دسوډان حکومت او په څ نګرې توګه د دغه هیواد ولسمشر جنرال عمربشیر د دلویدیځ دسخت فشار لاندې نیول شوي دي چې د هغې څرګند ثبوت په هاګ کې د نړیوالې محکمې لخوا د عمر بشیر دیو جنګي مجرم په توګه پیژندل دي.

داچې د سوډان د اسلامي حکومت مشر او د هغه هیواد، ولې دلویدیځوالو ټارګټ او د فشار لاندې نیول شوي پدې اړه د لویدیځ تبلیغات دادي چې نوموړي په دارفور خپله خپلواکي لاس ته راوړي لکه چې لویدیځوالو دا کار د ختیځ تیمور عیسایي لږکیو سره چې د اندونزیې د اسلامي هیواد اړوند یوه جزیره وه، ترسره کړ. پداسې حال کې چې د فلسطین د مسلمان ولس ستونزه د غصبو اسرائیلیانو په فرمایش د ملګرو ملتونو اداري لخوا سره ددې چې د د ۱۹۴۷ میلادي کال راهیسې د دغې اداري په پرنوکې موجوده ده سردخاني ته غورځولې ده- او دارفور چې د سوډان د اسلامي هیواد یوه برخه ده. دلویدیځ لخوا دیومنظم پلان له مخې د دې سیمې عیسایي لږکي هغه وخت د سوډان د اوسني پیروري دولت پرخلاف د ایتوپیې او ارتیریې هیوادنو په کرولو سره ولمځول شول چې کله د ۱۹۸۹ میلادي کال راهیسې واک ته رسیدلی د عمر بشیرخو کمن قیادت د سوډان د جنوبي قبیلوسره خپ سي شخړې حل کړې او دخپل پراخه سیاسي بصیرت په مټ یې د سیني په پراخولو سره د جنوب قیادت په واک کې شریک کړاو خپل معاون یې وټاکه چې د دارفور څخه مخکې د سوډان د جنوب قبیلو د سوډان د دولت پرخلاف بغاوت اوځوځښت لرلو. خو کله چې د دغو قبیلو په لمځولو او دسوډان پرخلاف پاځولوکې

پاتې په ۷ مخ کې

انتخابات ریاست جمهوری

راه دراز و زمان کوتاه

معلوم است که نظر ستره محکمه، ادامه کار رئیس جمهور کنونی تا آغاز به کار رئیس جمهور جدید است ولی متوجه این نکته مهم نشده و عجیب است که چنین نهادمهمی در این مورد اهمال کرده است!

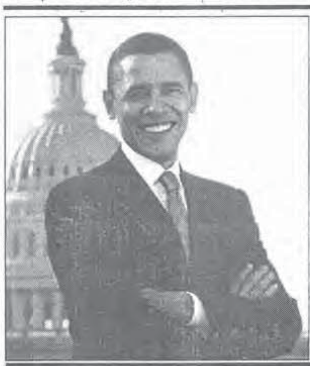
ص۳

امریکا به طالبان میانه رو، امید بسته است

ص۶

نگاهی به استراتژی جدید

امریکا در مورد افغانستان



کنفرانس بن نیز با عجله تدویر یافت تا مسیری را برای آیندهٔ افغانستان مشخص بسازد اما امریکا استراتژی مشخصی برای آنچه که مبارزه علیه تروریسم نامیده می شد نداشت. ادارهٔ بوش در جنگ علیه تروریسم فقط به روش های سخت افزاری اتکا کرد و به همین دلیل هم در افغانستان و هم در عراق با وجود صرف هزاران میلیارد دلار به نتایج مطلوب نرسید.

ص۲

نشانهٔ نگرانی سازمان شانگهای در اجلاس مسکو

اجلاس مسکو با شرکت وزرای خارجه اعضای اصلی و ناظر سازمان شانگهای نمایندگان گروه هشت، دبیرکل سازمان های ناتو، کنفرانس اسلامی، امنیت وهمکاری اروپا و دبیرکل سازمان ملل به تاریخ ۱۱ و ۱۲ حمل برگزار شد.

در این اجلاس مساله تروریزم درافغانستان و تاثیر آن برکشورهای همسایه، تولید وقاچاق مواد مخدر و ایجاد ثبات درافغانستان مورد بررسی قرار گرفت.

سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ تاسیس شده است کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرغیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان در آن عضویت دارند. کشورهند، پاکستان، ایران و مغولستان عضو ناظرو افغانستان شامل گروه تماس این سازمان میباشند.

ادامه در ص ۶

تکرار گفتگو های بی سرانجام نشست سران افغانستان و پاکستان در ترکیه

چهارمین نشست روسای جمهور افغانستان و پاکستان با میانجی گری عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه در انقره برگزار گردید.

این نشست که به تاریخ ۱۲ حمل برای یک روز صورت گرفت، در آن مقام های ارشد نظامی و امنیتی هر دوکشور شرکت داشتند.

از نگاه دولت افغانستان هدف از برگزاری این نشست ها جنب همکاری پاکستان در مبارزه علیه شورشیان مسلحی است که اعتقاد دارد در خاک پاکستان پناه گاه دارند. اما برخلاف توافقاتی که دراین نشست ها میان رهبران افغانستان و پاکستان صورت میگیرد، دولت افغانستان هنوزهم پاکستان را متهم به حمایت از طالبان می کند طبق اظهارات مسوولان دولت آقای کرزی طالبان در پاکستان پایگاه دارند و توسط سازمان استخبارات آن کشور حمایت می شوند. اخیرا مقامات دولت امریکا نیز سازمان استخبارات نظامی پاکستان را متهم به حمایت از القاعده و طالبان کرده است.

نشست های ترکیه میان رهبران افغانستان و پاکستان به یک روند تکراری تبدیل شده و پس از برگزاری ۳ اجلاس نتوانسته است نتایج ملموسی ببار آورد. برخی از صاحب نظران ادعا می کنند دولت غیرنظامی پاکستان بر خلاف توافقاتی که با دولت افغانستان انجام می دهد، نمی توانند نظامیان آن کشور را وادار به رعایت آن توافقات نماید و پایگاه طالبان را از خاک خویش برچیند.

عدهٔ دیگر حمایت پاکستان از طالبان و بی ثبات سازی افغانستان را راهبرد آن کشور تلقی می کنند که همیشه دستگاه های سیاسی با نظامیان درچنین سیستمی موافقت کرده اند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

تمدید ریاست جمهوری مایهٔ نگرانی شدید است

ستره محکمه با صدور اعلامیه به تاریخ ۲۸ حمل مدت ریاست جمهوری حامد کرزی ومعاونان وی را تا زمان انتخاب رئیس جمهور جدید تمدید نمود.بر اساس مادهٔ ٦١ قانون اساسی مدت کار رئیس جمهوری کرزی در ۲۹ جوزا ۱۳۸۸ به پایان می رسد.

اگر این اعلامیه قوهٔ قضائیه یعنی ستره محکمه، با نگاه تساهل آمیز نگرسته شود، تفسیر قانون اساسی است که از صلاحیت های آن قوه نمی باشد، قانون اساسی افغانستان تفسیر این قانون را به دوش کمیسیون تفسیر قانون اساسی گذاشته است، اما متاسفانه این کمیسیون در پهلوی بساکارهای دیگر مورد اهمال قرار گرفت وتشکیل نشدکه بدون شک تقصیر ان متوجه رئیس جمهور می شود. تمدید دوران ریاست جمهوری آقای کرزی یکی از موارد نقض قانون اساسی توسط حکومت وی می باشد.

این نقض قانون اساسی در نتیجهٔ نقض دیگر این قانون توسط دولت یعنی به تاخیر افگندن انتخابات به میان آمد. بدون تردید برگزاری انتخابات در تاریخ تعیین شدهٔ آن، یکی از وظایف مهم حکومت و ارگان های مربوط می باشد، اما حکومت با نادیده گرفتن این ماموریت خویش، بصورت عمدی و با بهانه ها وزمینه سازی های گوناگون،تاریخ انتخابات را به تعویق افگند. حکومت بدین منظور بازی ها و تردستی های زیادی را بکاربست وسر انجام گزینهٔ دیگری برای نامزدان وگروه های سیاسی جز پذیرفتن تاخیر انتخابات بجا نگذاشت.

به علت آنکه در کارنامهٔ هفت سالهٔ دولت آقای کرزی، موارد عدم شفافیت ونادیده گرفتن قانون فراوان دیده شده است و آخرین مثال های آن را می توان به تاخیر افگندن انتخابات وتمدید ریاست جمهوری یاد کرد، تمدید مدت کار دولت مایهٔ نگرانی شدید است.

با توجه به اینکه آقای کرزی در انتخابات آینده شرکت می کند، این نگرانی بصورت جدی مطرح می گردد، چون تضمینی وجود نداردکه وی از امکانات و سرمایه های دولتی به نفع خویش استفاده نکند تا در آینده به عنوان رئیس جمهوردر قدرت باقی بماند.

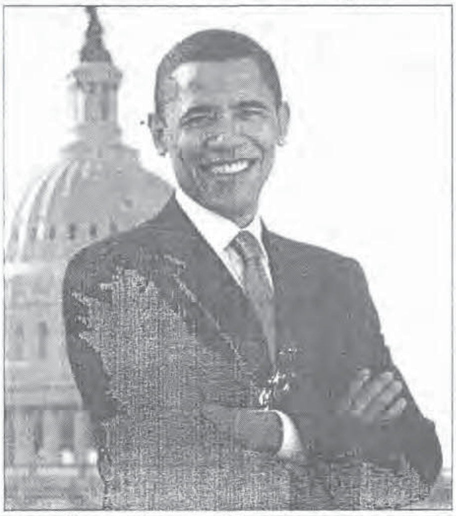
چنین پیشآمدی در انتخابات آینده پی آمدهای ناگواری داشته و وضعیت شکنندهٔ افغانستان را بیش از پیش بحرانی می سازد.

انصراف آقای کرزی از نامزدی برای پست ریاست جمهوری خواهد توانست این نگرانی ها وپی آمد های نامطلوب آن را از میان بردارد. در صورتی که وی به هیچ صورتی آمادهٔ کنار رفتن نباشد، لازم است به منظور جلوگیری از اعمال نفود دولت در انتخابات، تدابیری روی دست گرفته شود. یکی از این تدابیر می تواند تشکیل یک نهاد نظارتی با عضویت نمایندگان گروهای سیاسی وجامعه مدنی با شد که جهت برگزاری شفاف و عادلانهٔ انتخابات با کمیسیون انتخابات همکاری کند.

گروه های سیاسی وجامعه مدنی ورسانه ها باید تلاش خویش را برای نظارت بر برگزاری یک انتخابات سالم وشفاف بیشتر سازند تا از نقض قانون مخصوصا اعمال نفوذ دولت در انتخابات جلوگیری شود.

همچنان لازم است جامعه جهانی بصورت بی طرفانه در روند انتخابات نظارت ادامه در ص۶

نگاهی به استراتژی جدید امریکا در مورد افغانستان



وحید مژده

حملهٔ ایالات متحدهٔ امریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ بصورت ناگهانی صورت گرفت و امریکا تحت تاثیر ماجرای یازدهم سپتامبر به افغانستان حمله برد و رژیم طالبان را سرنگون کرد.

کنفرانس بن نیز با عجله تدویر یافت تا مسیری را برای آیندهٔ افغانستان مشخص بسازد اما امریکا استراتژی مشخصی برای آنچه که مبارزه علیه تروریسم نامیده می شد نداشت. ادارهٔ بوش در جنگ علیه تروریسم فقط به روش های سخت افزاری اتکا کرد و به همین دلیل هم در افغانستان و هم در عراق با وجود صرف هزاران میلیارد دلار به نتایج مطلوب نرسید.

اوباما در جریان مبارزات انتخاباتی خود وعده داد تا در صورتی که به مقام ریاست جمهوری برسد، نیروهای امریکائی را از عراق خارج خواهد کرد و به افغانستان توجه بیشتری خواهد نمود. پس از انتخاب وی بعنوان رئیس جمهور اعلام شد که افغانستان مهمترین مسأله در سیاست خارجی امریکا خواهد بود.

نبود یک استراتژی از قبل تعیین شده موجب نابسامانی هائی گردید حتی اختلاف میان امریکا و هم پیمانانش در سازمان ناتو را موجب شد و نیز حکومت افغانستان از اقدامات خودسرانهٔ نیروهای خارجی که موجب کشتار غیرنظامیان شده است و نیز از اینکه به ریشه های اصلی تروریسم در منطقه توجه نمی شود بار ها انتقاد نمود. امریکائی ها حکومت کرزی را غرق در فساد توصیف کردند که ضعیف عمل کرده است.

همهٔ این مسایل نیاز به روی دست گرفتن یک استراتژی را برای امریکا ضروری می ساخت تا در کنار اینکه امور در افغانستان منظم تر و با هماهنگی بیشتر به پیش برود، برای مردم امریکا و کشور هائی که در افغانستان نیروی نظامی دارند و کمک می کنند نیز اهمیت ماموریت افغانستان مشخص گردد و مردم این کشور ها بدانند که چرا سربازان شان در افغانستان حضور دارند.

در مورد جزئیات کامل این استراتژی هنوز نکات ابهام فراوان است و فقط بخش هائی از این استراتژی تا کنون از طریق سخنان اوباما و هالبروک و دیگران اعلام شده است. مطالعهٔ آنچه که تا کنون به نشر رسیده نشان می دهد که این استراتژی شامل پنج محور اساسی است:

۱- حضور بیشتر نظامی خارجی بخصوص ایالات متحدهٔ امریکا در افغانستان.

۲- کمک به اردو و پولیس ملی افغانستان برای رسیدن به کمیت ۴۰۰ هزار سرباز.

۳- کمک های بیشتر در بخش بازسازی

۴- توجه به کشور های منطقه و تشویق آنان برای تامین صلح در افغانستان.

۵- دیالوگ و تفاهم با طیف خاصی از مخالفین.

حضور بیشتر نیروهای خارجی در افغانستان در این استراتژی در حقیقت جوابی به این خواست افسران ناتوست که بارها از کمبود سرباز و وسایل رزمی شکایت داشته اند اما ادارهٔ اوباما می داند که برای ابد نمی توان در افغانستان حضور نظامی داشت پس منطقی ترین راه اینست تا در جهت افغانی ساختن این جنگ توجه شود. حتی در زمان ریاست جمهوری جورج بوش هم این مسأله مطرح بود که جنگ افغانستان را باید به خود افغانها واگذار کنیم اما این شعار بخاطر نبود یک استراتژی مجال عملی شدن نیافت. اکنون به نظر می رسد که توصیه ها و تجارب حاصله در افغانستان در این استراتژی انعکاس یافته است.

> **امریکا و ناتو چشم به مسیر ایران دوخته اند اما روابط ایران با امریکا و غرب در طول سه دههء پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همیشه پرتنش بوده است. بهبود روابط ایران و امریکا نیاز به زمان زیاد دارد و در عین حال این نکته را نیز باید در نظر گرفت که در معاهده ودادیه و تامینیه که میان افغانستان وایران در سال ۱۳۰۰ شمسی عقد شده و تا کنون نیز به اعتبار خود باقیست عبور جنگ افزار از طریق خاک طرفین علیه دیگری را توسط نیروهای خارجی اجازه نمی دهد.**

ارتقای تعداد سربازان پولیس و اردوی افغانستان تا چهارصد هزار تن متکی به تحقیقی است که موسسهٔ تحقیقاتی راند در اوایل سال میلادی گذشته انجام داد. راند که وزارت دفاع امریکا مشوره می دهد در این تحقیق مشخص کرده بود که برای اینکه بتوان جنگ در افغانستان را پیروزمندانه به پیش برد برای هر هزار تن از جمعیت افغانستان نیز به یازده سرباز است.

در طول هشت سال گذشته کمک های امریکا و غرب در بخش بازسازی در افغانستان با انتقاد هائی همراه بوده است. این کمک ها که حتی کمیت آن نیز بصورت دقیق مشخص نیست بیشتر دربخش هائی هزینه شده که موجب تغییر در وضع زندگی اکثریت مردم افغانستان نگردیده است. به نظر می رسد که امریکا در استراتژی جدید خود می خواهد نگاهی تازه ای به این وضعیت داشته باشد. توجه به سکتور زراعت و بهبود وضع در روستا های افغانستان مورد توجه بیشتر خواهد بود زیرا جنگ در افغانستان بیشتر خاستگاه روستائی دارد.

در بعد منطقوی این استراتژی توجه بیشتر به کشور های منطقه خواهد داشت و بخصوص به نقش همسایه های افغانستان در تامین ثبات در این کشور بحران زده اهمیت بیشتر داده خواهد شد. هرچند پاکستان دیگر چک سفید دریافت نخواهد کرد اما همچنان بعنوان مهمترین کشور همسایهٔ افغانستان و مهمترین متحد امریکا در جنگ علیه تروریسم در این منطقه از کمک های سالانه یک و نیم ملیارد دالر برخوردار خواهد بود.

مشکل راه های رسانیدن مواد مورد ضرورت نیروهای خارجی در افغانستان در شرایطی برجسته می شود که وضع نا آرام پاکستان امکانات رسانیدن مواد و جنگ افزار از طریق خاک پاکستان را به مشکل موجه ساخته است. راه دیگری که می توان از آن استفاده کرد مسیر روسیه و کشور های آسیای میانه است اما روسیه اجازهٔ ارسال جنگ افزار از داخل خاک خود به افغانستان را نمی دهند. راه روسیه طولانی و در مقایسه با مسیر پاکستان پرهزینه است.

امریکا و ناتو چشم به مسیر ایران دوخته اند اما روابط ایران با امریکا و غرب در طول سه دههٔ پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همیشه پرتنش بوده است. بهبود روابط ایران و امریکا نیاز به زمان زیاد دارد و در عین حال این نکته را نیز باید در نظر گرفت که در معاهده ودادیه و تامینیه که میان افغانستان وایران در سال ۱۳۰۰ شمسی عقد شده و تا کنون نیز به اعتبار خود باقیست عبور جنگ افزار از طریق خاک طرفین علیه دیگری را توسط نیروهای خارجی اجازه نمی دهد. در فصل هائی از این معاهده چنین آمده است:

فصل سوم:

هر یک از طرفین متعاهدین تقبل می کند که در هیچ نوع عملیات خصمانه که از طرف یک یا چند دولت ثالث برضد طرف متعاهد و همچنین در اتحاد ها، ائتلاف های سیاسی و نظامی که بر خلاف استقلال و یا مصئونیت و یا اقتدار متعاهد دیگر یا موجب ضرر سیاسی و یا نظامی او باشد نه رسماً و نه عملاً شرکت ننماید.

و همچنین طرفین متعاهدین از مشارکت در محاصره و یا بایکوت اقتصادی که برضد یکی از متعاهدین بعمل آمده بسد خودداری خواهند نمود. ادامه در ص۷

کنفرانس لاهه گرایش به سوی راهکار نظامی

احمدمهدی

در کنفرانس لاهه یافتن راه حل منطقه یی برای حل بحران در افغانستان مورد توجه قرارداشت، استقبال از شرکت ایران در این کنفرانس گرایش امریکا برای استفاده از راه حل منطقه یی را به نمایش گذاشت. وزیر خارجه امریکا در سخنرانی خویش تاکید کرد که حل مشکل افغانستان، مشکلات منطقه و در پی آن مشکلات بین المللی را کاهش می دهد.

گرایش نشست لاهه به سوی راه حل نظامی و استفاده از قدرت سخت برجسته گی خاص داشت.

کنفرانس دو روزه بین المللی در رابطه با افغانستان در شهر لاهه کشور هالند به روز سه شنبه ۱۱ حمل آغاز به کار کرد.

کنفرانس لاهه تحت عنوان آیندهٔ افغانستان برگزار شد، در آن نمایندگان حدود ۸۰ کشور و سازمان های جهانی شرکت کردند. حامدکرزی رئیس جمهور افغانستان، بان کی مون سرمنشی سازمان ملل، هیلاری کلنتن وزیرخارجه امریکا و وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو و نمایندگان کشورهای همسایه از شرکت کنندگان این نشست بودند.

هدف از کنفرانس لاهه برخلاف نشست های برلین، لندن، توکیو و پاریس که پس از توافقات بن دایر گردید. فراهم آوری مساعدت های مالی نبود، بلکه این نشست به منظور یافتن راه های ایجاد ثبات درافغانستان برگزار گردید شرکت کنندگان بر ادامه تلاش ها جهت تقویت حکومت افغانستان و مبارزه با القاعده و طالبان تاکید کردند.

برگزاری این کنفرانس توسط هیلاری کلنتون وزیرامور خارجهٔ امریکا پیشنهاد گردید. در آن استراتژی جدید دولت اوباما در مورد افغانستان مطرح گردید و مورد حمایت گسترده بین المللی قرار گرفت.

نمایندگان امریکا در این نشست تلاش کردند از فرصت بدست آمده، برای جلب حمایت ایران و نزدیک سازی رابطه امریکا با آن کشور استفاده نمایند. در حاشیه این کنفرانس، معینان وزرای خارجه امریکا و ایران باهم ملاقات کوتاهی نمودند که توجه رسانه ها را جلب نمود.

در کنفرانس لاهه یافتن راه حل منطقه یی برای حل بحران در افغانستان مورد توجه قرارداشت، استقبال از شرکت ایران در این کنفرانس گرایش امریکا برای استفاده از راه حل منطقه یی را به نمایش گذاشت. وزیر خارجه امریکا در سخنرانی خویش تاکید کرد که حل مشکل افغانستان، مشکلات منطقه و در پی آن مشکلات بین المللی را کاهش می دهد.

گرایش نشست لاهه به سوی راه حل نظامی و استفاده از قدرت سخت برجسته گی خاص داشت.

سخنرانان بیشتر به ابزارهای نظامی برای شکست القاعده و طالبان و ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان اشاره داشتند.

امریکا اعلان کرد که ۱۷۰۰۰ سرباز جهت مقابله با شورشیان و ۴۰۰۰ مربی نظامی برای آموزش اردوی افغانستان اعزام می نماید، شماری دیگری از کشورها نیز آمادگی خویش را جهت آموزش وتقویت نیروهای مسلح افغانستان ابراز کردند. رسانه ها گزارش داده اند که ناتو برنامه تقویت اردوی ملی افغانستان را آماده می کند که سالانه دو میلیارد دالر هزینه بر می دارد.

اگر چه تعهد، تقویت نیروهای نظامی افغانستان تصمیم بجا در این نشست بود اما تاکید بر راه حل نظامی و چشم پوشی از مشکلات ودشواری های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درافغانستان یاد آور سیاست ناکام گذشته جامعه جهانی در افغانستان است.

جای شک نیست که بی ثباتی درافغانستان به علت توانمندی های نظامی شورشیان به میان نیامده است، بلکه عوامل و زمینه های اصلی بحران در کشورما، فقر ضعف و فساد روزافزون حکومت مداخله خارجیان و عوامل دیگر اجتماعی و فرهنگی می باشد.

ایجاد ثبات درافغانستان و از میان بردن شورش و مخالفت های مسلحانه، با اتکا به نیروی نظامی و بدون ازمیان بردن عوامل آن نمی تواند بدست بیاید.

آنچه که در کنفرانس لاهه اظهارات یا تعهدات امیدوارکنندهٔ در این زمینه شنیده نشد.

انتخابات ریاست جمهوری راه دراز و زمان کوتاه

محمدنسیم فقیری

طبق حکم صریح قانون اساسی کشور، وظیفه رئیس جمهور کنونی دراول جوزای امسال پایان می یابد و بایست انتخابات برای گزینش رئیس جمهور جدید طی شصت یا سی روز قبل از این تاریخ برگزار گردد.

کمیسیون انتخابات تاریخ ۲۹ اسد را زمان مناسب برای برگزاری انتخابات اعلام کرد و ستره محکمه در حالی که قانون اساسی چنین صلاحیتی را به این نهاد نداده است به دوام کار رئیس جمهور تا تاریخ برگزاری انتخابات را قانونی دانست.

با این همه اختلاف و تفاوت نظر، آنچه همگان به رضا و اجبار روی آن توافق کرده اند برگزاری انتخابات در تاریخ ۲۹ اسد است و اختلاف ها وتفاوت نظرها در مورد ادارهٔ کشور بعد از اول جوزا است!

شاید فکر شود که این سه ماه (اول جوزا تا ۲۹ اسد) یک زمان کوتاه است وبرای مردم افغانستان که مدت دراز هفت سال و پنج ماه زمامداری رئیس جمهور کنونی را تحمل کرده اند، پذیرش سه ماه دیگر کار بسیار دشوار وطاقت فرسا نخواهد بود.

در این رابطه، چند نکته حایز اهمیت خاص است:

۱- ستره محکمه چنین صلاحیتی را ندارد و فقط بنا بر خواست رئیس جمهور و طبق میل او اظهار نظر کرده است.

ترس از این است که چنین نهاد مهم و با اعتبار به آلهٔ دست رئیس جمهور تبدیل گردد و با در نظرداشت سوابق گذشته و سلب اعتماد وزیرخارجه از سوی ولسی جرگه، بازهم طبق خواست ومیل رئیس جمهور، این نهاد به ادامهٔ کار وزیر موصوف نظر داد و از ساحهٔ اختیارات قانونی خویش پا را فراتر گذاشت.

در کشورهای مانند افغانستان که همواره از دیکتاتوری و حاکمیت افراد به جای دموکراسی و حاکمیت قانون رنج برده و عذاب کشیده اند، همچو اجراآت باعث تشویش و اضطراب جدی مردم می گردد و آنان را به دموکراسی و ارزش های آن بی باور می سازد و زنگ خطر حکومت فردی و دیکتاتوری را به صدا درمی آورد.

۲- ستره محکمه تـ برگزاری انتخابات زمان ریاست جمهوری را تمدید نموده و معلوم نیست که بعد از انتخابات تـ اعلام نتایج، تحلیف و شروع کا رئیس جمهور جدید چه کسی رئیس جمهور خواهد بود و یا د راس اداره قرار خواهد داشت؟

معلوم است که نظر ستر محکمه، ادامه کار رئیس جمهو کنونی تا آغاز به کار رئیس جمهور جدید است ولی متوجه این نکته مهم نشده و عجیب است که چنین نهادمهمی در این مورد مهم اهمال کرده است!

۳- رئیس جمهور کنونی که مدت هفت سال و پنج ماه فرمانروایی کرده و چهارماه دیگر به نظر ستره محکمه حکومت خواهد کرد؛ در صورت کاندید بودن- که تا کنون حتمی به نظر می رسد- قصد دارد تا پنج سال دیگر نیز حکومت کند که به صورت کل سیزده سال خواهد شد! آیا اقتدار طولانی سیزده ساله تحت نام و شعار دموکراسی خبر از حکومت فردی و دیکتاتوری نمی دهد وادامهٔ حکومت یک فرد، نشان دهندهٔ همسانی با داوود خان، صدا حسین و حافظ الاسد و دیگران نخواهد بود؟!

جالب است که رئیس جمهور ودستگاه او در این اواخ از داوودخان یک قهرمان ساخته اند و در دوران دموکراسی و آزادی، از یک حکمفرمای دیکتاتورو مستبدتعریف وتمجید می نمایند.

بدون شک که با در نظر داشت حوادث گذشته مردم افغانستان و بخصوص کاندیداهای ریاست جمهوری تـ زمان برگزاری انتخابات، راه درازی را در پیش دارند و این زمان پیشرو یک مدت کوتاه است که بهرصورت باید برای انتخابات آمادگی گرفت.

حکومت افغانستان و آنچه جامعهٔ جهانی خوانده می شود باید برای برگزاری انتخابات سالم، شفاف و منصفانه، تما سعی و تلاش خود را به خرج دهند و مردم و کاندیداها را ا این بابت مطمئن سازند.

درمورد این راه دراز و زمان کوتاه، حرف ها بسیار است و د شماره های آینده نیز روی آن بحث خواهد شد.

احمدضیاء مسعود و یک تصمیم تاریخی

ما پس از چند ماهی دیگر شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در کشور خواهیم بود. بسیاری از مسائل مهم این سرزمین با سرنوشت این انتخابات گره خورده است. مردم افغانستان سخت انتظار دارند که انتخابات آینده در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن ها تحولی مثبت به بارآورد.

با تکرار ناکامی ها و ناتوانی های حکومت آقای کرزی و مدیران تحمیل شده از بیرون بسیاری چشم به مجاهدان و مقاومتگران دوخته اند. جبههٔ ملی با در برگرفتن طیف های متفاوت جامعهٔ افغانستان و اتخاذ مواضع صریح در قبال قضایای مهم کشور و ادامهٔ بدیل های فراگیر دربرابر طرح های یک جانبه دولت کنونی به یک امید بزرگ تبدیل شده است. حضور شخصیت های پرقدرت در این جبهه امید به توانایی آن در مدیریت بحران های کنونی را تقویت کرده است. حضوراحمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری درجبهه مخالف آقای کرزی، ضعف درونی دولت را آشکار تر ساخت و بی باوری مردم را بدان تقویت کرد.

بسیاری از افراد و گروه های مربوط به جبهه خاصتا رهبران جبهه از مدت ها پیش به احمدضیاء مسعود به دلیل مواقف صریح و لهجهٔ بی پیرایه اش در نقد حکومت آقای کرزی به عنوان کاندیدای مورد نظر آینده جبهه می نگریستند و درجمعیت اسلامی افغانستان به عنوان یگانه کاندید تلقی می گردید.

درجمعیت اسلامی افغانستان و جبهه ملی تلاش های بر این متمرکز بود که باید از سوی اپوزیسیون سیاسی یک نفر را به انتخابات ریاست جمهوری نامزد کنند. اما در این اواخر از داکتر عبدالله وزیرخارجهٔ پیشین هم درکنار

ادامه در ص ۵

درسهایی که از بهار باید آموخت!

عبدالقیوم ملکزاد



از آمدورفت بهار، به عنوان رستاخیز طبیعت و زندگی مجدد، می توان درس های فراوانی آموخت.

بهار تکرار نشاطی است زود گذر و ناپایدار؛ یعنی نماد ناپایداری دنیا و نعماتی که خدا به منظور آزمایش برای بندگانش ارزانی می فرماید و همین طور آمد و شد این فصل خوشگوار، عبرتی است براین که انسان نباید زندگی، مال وجاه و منصبی را که به آن تکیه می زند، جاودانه پندارد.

وقتی که انسان با این حقیقت بیشتر آشنا گشت، توانایی آن را پیدا می کند تا از پدیدهٔ زشتی به نام غرور و تکبر وظلم و... بیزار باشد و با پاره کردن پردهٔ غفلت از برابر چشمان خود، سعی به خرچ دهد تا حاصل اندیشه اش همواره عالی باشد و ارزشمند ودر خور کسب رضای آفریدگار!

تفسیر کوتاه بودن و بی ثباتی دنیا، در دوسه بیتی که از «پدر معنی ها» بر گزیده ایم، به وضوح پدیدار است:

ازصلای رنگ عیش انجمن غافل مباش
پاره هایی چند بر خون جگر دارد بهار
چشم تا واکرده یی رنگ از نظر ها رفته است
از نسیم صبح دامن برکمر دارد بهار
از خزان آیینه دارد صبح تاگل می کند
جز شکستن نیست رنگ ما اگر دارد بهار

بهار و جلوه های آن، همیشه گرانقدر ترین سرچشمهٔ الهام برای ارباب سخن است. شعرا و نویسندگان بر آنند تا از طریق آفریده ها وپیام های شان به عبرت آموزی بپردازند و مضامینی چون گذرا بودن عمر، نظیر: " برلب جوی نشین و گذر عمر ببین - کاین اشارت ز جهان گذران مارا بس" و ناپایداری زنده گی و اعتقاد پس از مرگ توجه ها را به سوی ذاتی که ایشان را آفریده، معطوف دارند.

این مسأله درس بزرگی برای نو به دوران رسیده ها نیز هست که برخی از آنان متاسفانه فکر می کنند باید با استفاده از مقام و جاه و مرتبتی که خدا به خاطر آزمایش برای انسان ها ارزانی می فرماید، بر دیگران فخر فروشی کنند و مرتکب گناه هایی شوند و دمی درفکر فردای زندگی و نام و شهرتی که از ایشان باقی می ماند، نباشند.

در حالیکه مصداق فرموده ابوالمعانی بیدل رح:

آرایش کرو فر دنیا همه هیچ است
زان پوست مجو مغز که از آبله جوشد

پس برای انسانی که به چشم خود مشاهده می کند:

«زین چمن رنگ گلی نیست نگرداند رنگ»

بلا فاصله به خود این را تلقین می نماید:

حاصل درک این حقیقت چیست؟: انسان باید به ناتوانی خود معترف باشد و از دست یازیدن به ظلم و گناه اجتناب ورزد؛ بهار گستری و بهار آوری کند و از زمستان کیشی و خزان طینتی بپرهیزد و به اعمال و کارهایی دست نیازد که شرمساری وندامت در قبال می داشته باشد ونام بدی در تاریخ زندگی او ثبت می گردد، و بداند:

«جهان قلمرومشق سیهکاری نیست
چوامتحان قلم ازنقطه جابه جامگذار»

درس بهار، درس دل از کینه شستن است و محبت پیشه کردن وصله رحم داشتن و برخورد نیک و معاملهٔ نیک و اعمال و کردار پسندیده برگزیدن.

انسان، درس خوب دیگری که از مدرسهٔ بهار فرا می گیرد، اینست که این فصل علاوه بر اعطای شادابی و سبزسازی، فرحت آفرین و گوارا و لطف انگیز و دارای تبسم گیرا و لبخند دلپذیر نیز است. برخلاف زمستان، که مظهری از ترش رویی است و خسته گی گستری.

آسمان زمستان اکثراً گرفته و عبوس است. پس آدمی باید به گونهٔ بهار خنده روباشد و خسته گی زدا و دلهای آدمی در دوام یافتن کدورت و ترش رویی و زمستان گستری سپهر، بیشتر رو به خسته گی و ملال می گذارد.

انسانها هم، اگر خنده رو و کشاده جبین نباشند، اسباب ناراحتی را فزون می سازند و به میزان خستگی های همنوعان شان می افزایند:

«ابنای زمان منفعل چین جبین اند
بیدل ثمر عطسه دهد سرکه چشیدن»

رسول کریم؛ صلی الله علیه وسلم؛ تبسم برچهرهٔ برادر را صدقه عنوان فرموده اند:

«هر کارنیک صدقه است، از جملهٔ کارهای نیک این است که با پیشانی باز و خندان استقبال مردم کنی واز جمله نیکی اینست آبیکه در ظرف داری، در ظرف برادر خود بیندازی.»

ودر جای دیگری ارشاد فرموده اند که:

"تبسمک فی وجه اخیک صدقة"

(تبسم تو در برابر برادر تو صدقه است...) بادر نظر داشت پیوندی که این مساله با موضوع«بهار» دارد، می سزد تا نکات بیشتری در ذیل ارائه داریم و آن اینکه:

طوری که در فوق خواندیم، یکی از صدقه های جاریه" وادار ساختن مردم به خوبی ها و منع آنها از انجام بدی ها" می باشد.

بهار، به مصداق سخن سعدی رح:

«ابروباد و مه و خورشید فلک درکارند
تا تونانی به کف آری و به غفلت نخوری»

سرگرم به سررساندن کارهای نیک و منفعت رساندن برای انسان وحیوان و طبیعت است؛ همین طور می تواند دست اندر کار و یا عامل دورکردن بسا از چیزهایی نیز گردد که سبب اذیت و تکلیف دیگران می گردد.

مثلاً خصلت سیراب سازی، کاریست که به وسیلهٔ ابر بهاران انجام می پذیرد.

چنانچه مولانای بلخی می فرماید:

«زابر گریان شاخ، سبز و تر شود
نور شمع از گریه روشن تر شود

شکی نیست که آب، این مظهر حیات، یکی از مبرم ترین نیاز ها واحتیاجات، برای گیاه و درخت و انسان و حیوان محسوب می شود. ویامثلاً باد، به ویژه نسیم سحر گاهی یکی از خصوصیاتش این است که غنچه های درختان را به بیدار شدن و شکوفه بستن و متعاقباً به برگ و بار نشستن وامی دارد...

این پدیده ها را زمانی می توان محسوس و مشهود یافت که سال تحویل شود و فصل بهاران فرابرسد.

از تاثیرات دیگر بهار - که پیامبر بزرگوار اسلام آن را (صدقه) عنوان فرموده اند - دور کردن خار و رویاندن گل در سینهٔخاک به جای آن می باشد. این از لطف بهار است که خار یا یکی از چیزی هایی که همواره به عنوان نمادی از اذیت رساندن و آزار دادن تعبیر شده است، از برابر چشم انسان و یا اززیر گام های آدمیان برطرف ساخته می شود.

پس برای انسان است تا روش بهاری را بر خود برگزیند، یعنی مصدر خیرو ثواب در جامعه گردد و به جاری ساختن صدقه و رساندن خیربه دیگران مبادرت ورزد.

یکی از مشاغل خیر و مظاهر خدمت به مردم و جامعه و جاری ساختن صدقه، باغبانی و کشاورزی می باشد که غرس کردن نهال بر زمین شامل آن است. نشاندن نهال و آب دادن و پرورش دادن درخت، کاری ست که پیامبر گرامی سلام به آن جداً تاکید فرموده اند.

بهار و دیدهٔ بینا

مولوی محمد حنیف حنیف بلخی

بهاراست و بهارست و بهارست — پذیرائی ازان ای دل به کار است
زمین خوشبو بگشته همچو گلشن — تو گوئی گوشهٔ دشت تتار است
به بستان بنگری بهر نمایش — بلند آئینه های آبشار است
بهر سو بتهٔ گل سرکشیده — به زیبائی به مانند نگار است
خمیده چون کمان هر شاخهٔ بید — پی دلها تو گوئی در شکار است
میان باغ گرآئی تو اکنون — به بینی پاک از گرد و غبار است
نسیم شامگاهش می برد دل — هوای بامدادش خوشگوار است
نوای شوخی ومستی به هردم — بلند از پهلوی هر جویبار است
سر هر شاخهٔ زیبای گل ها — صدای بلبل و نای هزار است
نماند بلبلی هیچ از سرودش — اگر چه سینه اش بالای خار است
به ساز خویش می کوشد شب و روز — همیشه کلک او بسته به تار است
ز بهر دیر پائی اینچنین روز — بلند هر سو نگر دست چنار است
بهر جا سبز گشته کشورما — اگر بلخ و هرات و یا تخار است
برو دوشش همه پرگل نماید — سمنگان است یا که قندهار است
همه امروز با ناز و شکوهمند — چو پروان را شکوه گل بهار است
ز تیغ کهساران تا کمر گه — همه سبزینه و هم لاله زار است
چنان یک همدلی آورده امروز — که ارزشهای او بس آشکار است
به سوی باغ هر یک می شتابد — برادر، یا ورورو، یا برار است
روانه گشته هریک سوی گلزار — پیاده می رود یا که سوار است
بیا آزاد ای جانم به گلشن — که این یک بخشش پروردگار است
نگیرد نشهٔ زین روز نیکو — دلی وابستهٔ دار ومدار است

بگویم بهر دیدار چنین روز
حنیفا! دیدهٔ بینا به کار است

امریکا به طالبان میانه رو، امید بسته است

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه



دیگر امریکا به ین باور رسیده است که با هرنوع مصالحه با طالبان می خواهد. راه خروج از افغانستان را در پیش گیرد. خروج امریکایی ها از عراق، خروج سربازان این کشور را از افغانستان هموار می سازد. اوباما مخالفان حکومت را به طالبان میانه رو و تندرو تقسیم نموده است، که میتوان با طالبان معتدل مصالحه ومعامله کرد و در مشارکت سیاسی، آنها را سهیم ساخت؛ در حالیکه مخالفان دولت، تنها طالبان نیستند

***

مقام های بلند پایهٔ امریکایی وغربی می خواهند طالبان را در حاکمیت سیاسی سهیم سازند وخود را ازین باتلاق مرگ ومصیبت نجات دهند. رسانه های غربی همواره از شکست ناتو و متحدان آن در برابر طالبان سخن میگویند و مقام های بلند پایه امریکایی وغربی را هشدار میدهند که طالبان را در یک مشارکت سیاسی فراخوانند.

ظرف ماه ها و هفته های اخیر، مذاکره با طالبان میانه رو از سوی امریکا و برخی از حلقات حاکمیت در غرب عنوان می گردد. طوریکه چندی قبل نخست وزیر کانادا که دوهزار نیروی جنگی در کندهار دارد، افغانستان را قبرستان امپراطوران جهان خواند. اوباما با یک مذاکره با طالبان میانه رو را مطرح کرد و آمادگی خود را با یک مصالحه و معامله سیاسی با طالبان میانه رو و سازش پذیر اعلان کرد. به نظر کارشناسان عرصه ستراتژیک نظامی این گونه حرکت سیاسی، قبل از همه از یک فلسفهٔ یأس و نا امیدی سرچشمه می گیرد.

مقام های بلند پایهٔ امریکایی وغربی می خواهند طالبان را در حاکمیت سیاسی سهیم سازند وخود را ازین باتلاق مرگ ومصیبت نجات دهند. رسانه های غربی همواره از شکست ناتو و متحدان آن در برابر طالبان سخن میگویند و مقام های بلند پایه امریکایی وغربی را هشدار میدهند که طالبان را در یک مشارکت سیاسی فراخوانند.

باید بپذیریم که تعداد زیادی از طالبان، افغانستانی اند و در همین آب و خاک تغذیه شده اند؛ اما حکومت افغانستان ظرف هشت سال اخیر در ایجاد طالب و مخالف سیاسی کمک نموده ست و در حقیقت این حکومت خود طالب ساز بوده است... بلند پایه آن از سوی خارجی ها به ویژه امریکایی ها، حمایت وحراست میشود و گارد امریکایی رئیس جمهور را در هر لحظه و ثانیه تحت باز رسی ومراقبت قرار میدهد، دیگر نمی تواند این حکومت اعتماد مخالفان را که انگیزه خارجی ها آنها را به جنگ وا داشته است، به دست آورد و آنها را در مشارکت سیاسی دعوت نماید، امروز امریکایی های وغربی ها پس از سال ها جنگ با مخالفان نظام سیاسی افغانستان که از سوی خارجی ها و ناتو، بنام افراطی جنگ طلب و قرون وسطایی خطاب می شدند، امریکایی ها و غربی ها به استقراء دریافته اند که طالبان مدنیت و سیستم حاکمیت غربی را در کشور خود، دوست ندارند. دیگرامریکا که حضور خود را در افغانستان تحت شعار قوام دموکراسی و دولت مدرن پنهان ساخته بود، امروز از دست داده است. طوریکه اوباما با فرستادن ۱۷ هزار سرباز تازه دم، خود را در جهت مصالحه با طالبان و نبرد با القاعده معطوف داشته است.امریکایی ها بصورت غیر مستقیم، به این باور رسیده اند که با شکست القاعده وتوافق با طالبان ماموریت شان در افغانستان خاتمه می یابد و این کشور را به دست خود افغانستانی ها می سپارند.

خروج امریکایی ها از عراق، خروج سربازان این کشور را از افغانستان هموار می سازد. اوباما مخالفان حکومت را به طالبان میانه رو و تندرو تقسیم نموده است، که میتوان با طالبان معتدل مصالحه ومعامله کرد و در مشارکت سیاسی، آنها را سهیم ساخت؛ در حالیکه مخالفان دولت، تنها طالبان نیستند بلکه نیروهای دیگری نیز وجود دارند که با پالیسی و هجوم ناتو به این کشور سرسازشی ندارند. تجربه هشت ساله جنگ میان نیروهای بین المللی و نیروهای مخالف نشان داد که در میان طالبان، میانه رو و تند رو وجود نداردو طالبان نیز تا کنون از چنین تقسیم بندی ها انکار ورزیده و همه شان خود را مکلف به مبارزه تا خروج نیروهای خارجی از کشور می دانند.

با وجود تلاش های حکومت آقای کرزی در جهت جلب و جذب طالبان در حاکمیت دولتی، که آقای مجددی در رأس کمیسیون مصالحه و آشتی ملی قرار دارد. این گونه تلاش ها تا کنون به کدام نتیجه یی نه رسیده است. به همین گونه با وجود تلاش های برخی از کشورهای خارجی مثل سعودی وبریتانیا کدام صدای آشتی جویانه از سوی طالبان بلند نشده است. به گفته طلعت مسعود، ژنرال بازنشسته پاکستانی که در تلویزیون الجزیره عنوان کرده است، اگر کسانی در میان طالبان با گرفتن امتیاز های بزرگ تمایل به مصالحه با حکومت و نیروهای خارجی در افغانستان داشته باشند، اما از خوف وترس رهبران شان نمی توانند خود را آشکار نمایند. امروز تصمیم گیری های بزرگ در نزد مخالفان دولت در دست کسانی است که آن ها را در جبهات جنگ تجهیز، تمویل و رهبری می نمایند. هر چند حکومت کرزی از پیشنهاد اوباما، در مورد مذاکره با طالبان معتدل استقبال نموده است. اما نزدیکان این اداره با ظاهر بینی تمام می گویند که هر نوع مذاکره باید در مشوره با حکومت افغانستان پیش برده شود. از وضع و شرایط سیاسی کنونی کشور چنین استشمام می گردد که در هرنوع تصمیم گیرهای بزرگ، حکومت آقای کرزی دور نگهداشته خواهد شدو این حکومت کمتر خواهد توانست در بازی های پشت پرده که با طالبان جریان دارد، شرکت داده شود، زیرا این حکومت از سوی حکومت اوباما ضعیف، نا توان، بی کفایت و فاسد عنوان گردیده است که ظرف سال های حضور خارجی ها در افغانستان نتوانسته است، وظایف خود را درست انجام دهد، و در واوضاع کنونی این حکومت از درایت و کارایی قابل ملاحظه یی برخودار نیست، تا با مخالفان خود حتا به شیوه ظاهر داری در مذاکرات و تصمیم های بزرگ سیاسی جایگاه بلند داده شود. مفهوم این سخنان چنین نیست که حکومت کنونی افغانستان یک حکومت ملی است و در برابر برنامه های خارجی ها، هر از گاهی اعتراض می کند، بلکه بی کفایتی این حکومت آن را به حاشیه خواهد راند. باید صبر کرد که طالبان از خود در قبال پیشنهاد صلح امریکا چگونه انعطاف نشان خواهند داد؟ بدون تردید هیچ صلح و ثبات سیاسی در افغانستان بدون خروج امریکایی ها از افغانستان با طالبان ممکن نیست. امروز رخنه در میان متحدان امریکا در نبرد با مخالفان حکومت افغانستان به وجود آمده است، طوری که آلمان وکانادا که سهم عظیمی در کار تدارکاتی و نبرد با طالبان در افغانستان دارد. از پیشنهاد اوباما، مبنی بر مذاکره با طالبان استقبال جدی نموده است. المانی ها تا جای پیش رفته وگفته اند که طالبان به صورت غیرعادی از گروه ها و طیف های مختلف به وجود آمده اند که همه به سازمان القاعده پیوند ندارند. ظرف ماه های اخیر بسیاری از متحدان امریکا، دکترین پیروزی نظامی در افغانستان را مورد شک و تردید قرار داده و زمینه های مذاکره و تفاهم را پیشنهاد نموده اند. باید گفت که مخالفان دولت در داخل کشور می جنگند ولی از خارج کشور تجهیز و تمویل می گردند و پایگاه های اعتقادی شان نیز از یک چنین چیزی سرچشمه می گیرد. در هرگونه مذاکره با مخالفان دولت، حرف اخیر را از جانب مخالفان، کسانی خواهند گفت که این مخالفان حاکمیت در افغانستان را تمویل، تجهیز و رهبری می نمایند امروز هر راهی که دراین مسیر در پیش گرفت یک سر این چنبر به خارجی ها و دوستان آن ها خواهند پیوست.

در صورتی که پایگاه های قدرت مخالفان دولت ازسوی ناتو در آن سوی دیورند، نشانه گرفته شود و کشورپاکستان در این راه صادقانه همکاری نماید و حکومت افغانستان خود را از این کرختی بی تفاوتی و بی کفایتی بیرون سازد و در جهت رفاه مردم بکوشد. به طور یقین مخالفان دولت در تنگنای نظامی قرار خواهدگرفت وآماده به خواسته های جامعه جهانی خواهد گردید و جریان مذاکره به پیروزی خواهند انجامید. در صورتی که مخالفان دولت از چنین بی کفایتی حکومت افغانستان استفاده فراوان برده و حاضر نیست با این حکومت سرسازش و آشتی را بازنماید. پیش از این که امریکایی ها و حکومت افغانستان وقت خود را به گفتن طالبان میانه رو و تند رو ضایع سازد و وقت کشی نماید، باید در خود فرو رود و خود را اصلاح و متحول سازد تا حمایت مردم افغانستان جلب نمایند.

احمدضیاء مسعود و یک تصمیم ...

احمدضیاء مسعود نام برده می شد.

بی تردید تعداد کاندیداها در صفوف هوا دارن جمعیت و جبهه نگرانی هایی را ایجاد کرده بود، هرچند دکتر تا کنون از اعضای جبهه به شمار نمی رود و از اعضای جمعیت نبوده است، اما ازمجاهدان و مقاومتگران سرشناس و یاران شهید احمدشاه مسعود است و از این لحاظ با احمدضاء مسعود هم خانواده بوده است.

تلاش هایی از سوی دلسوزان صورت پذیرفت تا یکی از این دو به سود دیگری از کاندیدا شدن به ریاست جمهوری در گذرد. هر دو در این کار بسیار سختگیربودند و هردو مصلحت را به تشخیص برادران و به ویژه تصمیم جناب استاد ربانی واگذاردند، ولی استاد نمی خواستند یکی از آنان را برگزینند و تاکید می کردند که آنان خود به چنین موفقتی برسند سر انجام احمدضیاء مسعود پس از مشاورت و رایزنی با جناب استاد ربانی دریک تصمیم فداکارانه و تاریخی از کاندیدا شدن منصرف شد و با این نشان داد که او درپی مصالح و منافع مردم و کشور است.

احمد ضیاء مسعود بدون شک یکی از اعضای شورای رهبری جمعیت و یکی از رجال برجسته سیاسی افغانستان است. اما با این تصمیمش اعتبار واحترام بیشتر کسب کرد، چون رجال بزرگ را حوادث بزرگ وتصمیم گیری های بزرگ می سازد

شهید احمدشاه مسعود با کنار رفتنش از پست وزارت دفاع حکومت مجاهدین به اثر درخواست حکمتیار کوچک نشد بل بیشتر عظمت کسب کرد واستاد ربانی زمانی که قدرت را انتقال داد درحالی که می توانست آن را در دست داشته باشد، و نیززمانی که استاد از کاندیدا شدنش به پست ریاست پارلمان به نفع آقای قانونی گذشت جایگاهی بلندتر یافت.

لذا ترجیح مصالح جمعی و منافع علیای کشور در جمعیت به یک سنت رایج و پایدار تبدیل شده و این تصمیم احمدضیاء مسعود آن را بیشتر تقویت کرده است.



سیمه او پاکستان د ترهګرۍ په لومو کې!

شفیق

په پاکستان کې د دولت مخالفو وسله والو او په قبایلي سیمو کې د طالبانوخوځښت پرخلاف د پاکستان د دولت عملیات له یوې خوا، او په قبایلي سیموکې د بې پیلوته امریکایي طیارو بریدونه له بلې خوا ـ چې لا د پرویزمشرف د واکمنۍ په مهال یې جریان لرلو- پدغو هیوادکې د رواني ترهګرۍ مخه ونه نیول شوه چې لامله یې د امریکا په نوې استراتژۍ کې د پاکستان دولت سره د راتلونکو پنځو کلونو په دروان کې د هرکال لپاره یو میلیارد دالرورکول چې د اصف علي زرداري حکومت ورڅخه ملاتړ هم اعلان کړي دي

هسې خو نږدې دوه کاله کیږي چې په ګاونډي هیواد پاکستان کې هم د دولت مخالفو طالبانو خوځښت د پاکستان په قبایلي سیمو سربیره، د دغه هیواد په پایتخت او مرکزي سیمو کې هم خپل علمیات په پراخه پیمانه پیل کړي ۆ. خو پدې وروستیوکې د سرحد ایالت د ایالتي حکومت لخوا د ملاکنډ او سوات سیمو لپاره د اسلامي محاکمو په جوړیدا د طالبانو(د شریعت د نفاذ خوځښت) سره د کړې معاهدې وروسته ګومان کېده چې له دې وروسته به سرحد په ایالت، او هم د پاکستان په نورو سیمو او ښارونو کې ښایې د ترهګرۍ عملیات پای ته ورسیږي. خو په پاکستان کې امنیتي وضع له یوې ورځې څخه بلې ته لاپسې خرابیږي او د دولت مخالفو قوتونو او وسله والومخالفینو د نفوذ دایره نوره هم پسې پراخیږي.

د امریکې د ولسمشر "اوبامه" لخوا دې سیمې ته اعلان کړای شوې استراتیژۍ سره سم اولاڅخه یې هم. په پاکستان کې خینې داسې پیښې مینځ ته راغلې چې له یوې خوا یې د آصف زرداري حکومت ته لویه صدمه ورسوله هغه چې د دولت د مخالفو سیاسي ګوندونو سره یې کشمکش لاپه خپل حال پاتې دی او د مخالفینو له سیاسي قوت څخه دوېرې په وړاندې دې ته اړشوچې دوه اونۍ د مخه یې پخواني قاضیان بېرته په خپلو دندو وتاکل اوله بل خوا دغو پېښو او ترهګرو عملیاتو له مینځه دلاهور په ښارکې د سرې لنکا په کرکټ لوبډلې باندې په لوبغالي کې دزې کیدل د پاکستان لپاره د نړۍ د لوبغاړو په اذهانو کې ډیر بد پیغام لرلو چې له دې وروسته ښایې نړیوال لوبغاړي دغه هیواد ته دراتګ زړه ښه نه کړي. په لاهور کې له دغې پیښې وروسته بیا یوه اونۍ د مخه د خیبرایجینسۍ په یو جومات کې ځانمرګي برید چې په نتیجه کې یې تلفاتو شمیره له پنځوسو ډیرو مړو او داویا وپه شاو خواکې ټپیانو ته رسیده ـ یوبل زړه بوګنوونکی عمل ۆ ځکه دا ډول عملیات چې جوماتونو او لمونځ کوونکي ترې هم خوندي نه اوسي د سیمې خلکو لپاره ډیر بد زیري لري او فکرنه کیږي چې دا کار دې هم، د القاعده او یا دهغوې دپلویانو خوځښتونو اوسي بلکې داسې برېښي چې ددې ترشا اسلام دښمنه استخباراتي کړۍ او یا د سیمې د خلکو دښمنانې استخباراتي کړي دي.

بلې خواته له دې سره نږدې موده کې په لاهور د ملي اردو د تربیتي مرکز یرغمال کول او هلته د عملیاتو ترسره کیدل چې تلفات یې هم دشلو تنو په شاوخواکې دمړو او دې ته ورته شمیرې دټپیانو پریښودل ۆ. د پاکستاني دولت بشپړه ناتوانې په ګوته کوي. لکه څنګه کیدای شي چې د دولت مخالفین آخر د اردو او امنیتي ځواکونو لپاره روزنې مرکز ته هم لاره پیدا کړي او دځوساعتونولپاره یې یرغمال کړي؟ او هغه هم بیا د لاهور په څیرښارکې چې د دغه هیواد مرکزي او تاریخي ښار دی. خو داسې معلومیږي چې په سیمه کې د ترهګرۍ د ترسره کیدونکو عملیاتو ترشا ډیراو ږده لاسونه او پراخه اقتصادي او سیاسي ملاتړ دی چې په نتیجه کې یې د امریکې بې پیلوټي ځیروته د ګوزارونوکولو حق ورکړی او یوازې د نوي میلادي کال له آغاز راهیسې تردامهاله په لسګونو داسې حملې د امریکې بې پیلوټ ځیرو دپاکستان په قبایلي او په ځانګړې توګه د کرمې او وزیرستان په ایجنسیو شوي دي چې د هغې وروستۍ دهغې حمله دوه ورځې مخکې (دچهارشنبې په ورځ) داورکزۍ په ایجنسۍ (قبایلي منطقې کې هم د "خدیزۍ" په سیمه کې د بیت الله محسود د یو نظامي

ملګري قومندان حکیم الله مسعود په کور تر سره شوه او په نتیجه کې یې درسنیو د معلوماتو له مخې دولس تنه مړه شوی او څلورټپیان شوي دي چې ویل کیږي پنځه تنه طالبان هم پکې شامل ۆ.

له دې سره سم د پاکستان دولت دا اعلان هم کړي چې د لاهور په سیمه کې د اردو په تربیتي مرکز باندې د برید په تورکې یې دولس تنه نیولي دي چې د دوې د ادعاء له مخې درې تنه پکې د مخالفینو د خوځښت بیت الله محسود ډلې مهم غړي شامل دي.

په پاکستان کې د دولت مخالفو وسله والو او په قبایلي سیمو کې د طالبانوخوځښت پرخلاف د پاکستان د دولت عملیات له یوې خوا، او په قبایلي سیموکې د بې پیلوټه امریکایي ځیرو بریدونه له بلې خوا ـ چې لا د پرویزمشرف د واکمنۍ په مهال یې جریان لرلو- پدغو هیوادکې د رواني ترهګرۍ مخه ونه نیول شوه چې لامله یې د امریکې په نوې استراتژۍ کې د پاکستان دولت سره د راتلونکو پنځو کلونو په دروان کې د هرکال لپاره یو میلیارد دالرورکول چې د آصف علي زرداري حکومت ورڅخه ملاتړ هم اعلان کړي دي. پدې پوري تړلې شوي چې دپاکستان دولت به د ترهګرۍ د نوغې د ویستلو لپاره کوټلي اقدامات کوي او مریکه ته به له یوې خو

پدې هکله دادورکوي او هم به دورکړای شوي مبلغ حساب ورکوي چې په ریښتیا هم د دغه هیواد د دولت په هغو(قبایلي) سیمو کې لګول دي چې امریکه دغو سیمو د بنیادي اړتیاوۆ لکه: دڅښلو د اوبو، ښوونځي او روغتیایي وضعې دښه کولو لپاره ورکړي څوپدې ترتیب وکولای شي چې په قبایلوسیمو او یا په عامه توګه په پښتنو میشتو د آبادۍ او ترقۍ څه کارونه په سترګو شي او په نتیجه کې یې دخلکو په ژوند کې بدلون او ښه والی راشي چې د"اوبامه" لخوا اعلان شوې استراتژۍ کې د تیغ او جیب په پرګولو سره څرګند شوي ده او د بوش له استراتژۍ سره یې د توپیر عمده ټکی همدادی چې پخواني امریکې ولسمشر په دې سیمو کې د ترهګرۍ مخنیوي یوازې په تیغ او زورسره کولو او اوسنی ولسمشر "اوبامه" یې د تیغ او زورسره سره د ضمیمې او سازش جیب ته هم تېپ ورکوي. چې له همدې مله دغه استراتیژي هم د دواړو هیوادونو د واکمنو ګوندونو او لوړپو پرته د دواړو هیوادونو دولسونوپه همکاري کومه نوې استراتیژي ته ښکاري چې په ریښتنې توګه دروانې ترهګرۍ جوړې وېسي او یا هم لاملونه له مېځه یوسي. ځکه همدمشرف دیکتاتورۍ : [illegible] خوکونو درڼدوبمبارۍو و خپلسرۍ تلاشۍ و هم کورونو په نخښې توګه ورتنو تل دي چې له یوې ورځې څخه بلې ته ډیریږي او د امریکې یې خواکونو شتون نورپیدي سیموکې یوعذاب ګرځیدلی دی او ترهګري او دامریکې او ناټو لخوا پرخلاف یې که عملیاتو څخه اوس د چرګي او هګي د کوم یو مخکې پیداکیدو معما جوړه شویده چې آیا ترهګري سره ده او که امریکې بریدونو او امریکې پلوي پلیسی او د ناټو او امریکې یې خواکونو ګوزارونو؟ ځکه هر یو د بل زیږنده او لامل ښکاري چې د سیمې میشت ولسونو او قومونه یې د ډانګ ترمینځه ورولي دي او د سیمې واکمنان یې پدې قانع کړي چې پریکنده ګوزارونو په ذریعه یې مخه ونه نیسي نو ښایې د لویدیځ او امریکې د دښمنۍ په څېر به لاهوشي نوګوی دولس سره په دښمنۍ کې دولس کتیې لاس ته راوړي او بل لوري ته یې یو شمیر احساساتي مسلمانانو پدې قانع کړي چې ګویا ځان وژنه او د بې ګناه خلکو امنیت ته ګواښ پېښول له اسلام څخه دفاع ده پداسې حال کې چې ددواړو ګټه د اسلام ولسونو او د سیمې د هیوادونو پرځای لویدیځ او نړیوالو ښکیلاکګروته رسیږي ځکه جګړه د تلفاتو زیاته شمیر د سیمې دواړه خوا ولسونه دي ته د سیمې ددواړه لوریواوسیدونکو مغرض دښمنان چې خپلې جګړې خمونږ په خورو وه کلیو وولسونوکې کوي

ادامه سرمقاله ....

نماید تا از اعمال نفوذ مقام های دولت ازجمله والی ها وقومندانان امنیه ودیگر مسئولین دولت جلو گیری گردد. البته لازم است در گام نخست خارجیان مخصوصا در کشور های صاحب نفوذ در افغانستان بی طرفی را رعایت کنند و از اعمال نفوذ آن چنانکه در گذشته دست به چنین کاری زدند، پرهیز نمایند وبگذارند مردم افغانستان براساس ارادهٔ آزاد دولت آیندهٔ خویش را انتخاب کنند.

روز های دشواری پیشروست، در چنین شرایطی باید همهٔ گروها وشخصیتها بیش از پیش مصالح علیای وطن مخصوصا حفظ ثبات و امنیت نسبی موجود را مدنظر بگیرند واز خود خواهی ها که پی آمدهای نامطلوبی دارد، پرهیز کنند.

اجلاس مسکو...

گرچه اهداف اصلی سازمان شانگهای مبارزه با تروریزم، مواد مخدر و جدای طلبی درکشورهای عضو اعلان شده، اما بسیاری ها عقیده دارند که سازمان شانگهای، توسط روسیه و چین به منظور مقابله با نفوذ امریکا وغرب در منطقه تاسیس شده است.

اگر چنین تحلیلی را بپذیریم می توان گفت سازمان شانگهای به علت دشواری ها و چالش های که با آن روبروست، توانمندی آن را ندارد، در برابر امریکا و سازمان ناتو بایستد. چین یکی از قدرتمندترین عضو این سازمان روابط گسترده اقتصادی و تجارتی با امریکا و کشورهای عضو ناتو داشته و آماده نیست، این منافع را قربانی سیاست های ماجرا جویانه نظامی کند، یکی از عوامل ضعف سازمان شانگهای رقابت های پنهان اما جدی میان روسیه و چین بر سر کنترل منابع انرژی در آسیای میانه است که، امکان اتحاد استراتیژیک میان دوکشور را تا اندازه زیادی تضعیف نموده است.

هر چند که موضوع افغانستان در گذشته جز اجندای نشست های سازمان شانگهای بود، اما این نخستین بار است که این سازمان نشست خاصی را در رابطه با افغانستان دایر می نماید، فکر می شود شدت جنگ ها درافغانستان، نیرومند شدن بیشتر طالبان و همچنان ادامه قاچاق مخدرات از افغانستان به داخل مرزهای کشورهای عضو سازمان، بیش از پیش این کشورها را با تهدید روبرو نموده است.

دراین نشست نمایندگان سازمان ناتو شرکت کردند، هرچند که گفته شده است شرکت نمایندگان ناتو در نشست سازمان شانگهای می تواند آغاز گفتگو میان این دو سازمان باشد، اما بعید است این گفتگو منتج به نزدیکی بیشتر این دو پیمان گردد.

این کنفرانس نگرانی روز افزون سازمان شانگهای در رابطه با بحران افغانستان را به نمایش می گذارد.

په دوحه کې د عرب د کنفرانس په مناسبت:

بشیر ټارګټ، او سوډان ولې د فشار لاندې؟

پاتې له لومړي مخ کې

د عمربشیر د با بصیرته قیادت په برکت ناکام شو نو د سودان د دولت پرخلاف یې د بلې جبهه پرانستلو ته بیا ونیوله چې هغه د ډارفور د عیسایي لړکیو په وسله سمبالول او د سودان د دولت پرخلاف د خپلو شعر په خوله کې ورکول ؤ چې تر دامهاله د سوډان اسلامي حکومت د خپل زړه ورقیادت او ملي وحدت په برکت دغه لړکي له بغاوت څخه غورځولي او له همدې لامله یې نن تول لویدیځ عمربشیر ته دیو جنګي مجرم او سوډان هیوادقیادت ته د غاصب قیادت په سترګو ګوري پداسې حال کې چې لویدیځ د دغو تبلیغاتو او د نړیوالې بې انصافه محکمې د پریکړې په وړاندې د سودان د خلکو میلوني غونډو مظاهرو اولاریونو نو دنیا والو ته په سترګو کې خوري وغورځولي او پدې سترو تاریخي غونډو کې د عمربشیر د پالیسو ملاتړ د سوډان ګټو اسلامي او پرمختګ پلو ګونډونو وکړ چې دلویدیځوالو لپاره یو خوله ماتې ګوزارؤ او لاتر اوسه هم د سودان مسلمان ولس د خپل زړه ور او با بصیرته قیادت تر شا وولاړدي. چې د تیرې دوشنبې په ورځ د غربي هیوادونو هغه کنفرانس هم د سودان او عمر بشیر ننګه او ملاتړ وکړ چې د قطر په دوحه کې دایرشوی ؤ او د عرب لیګ له ۲۲ غړو ورو هیوادونوله مینځه او سعودي عربستان چې دغه دواړه هیوادونه د امریکې پلویتوب تورن دي په شمول له پنځو هیوادونو پرته نور ټولو اولسو هیوادونو پکې ګډون کړي ؤ او د عرب لیګ سکرترجنرال، عمرو موسي، د قطر امیر شیخ حمد آل ثاني. د لیبیا مشر معمر القذافي او ایراني چارواکو پکې فعاله ونده لرله. د یوې اعلامیې په ترڅ کې یې عمر بشیر او سودان له دولت څخه په زغرده ملاتړ اعلان کړ او هم د نړیوالې محکمې د دغه پریکړه یې وغندله.

د اچې لویدیځ ولې سودان او د دغه دولت ولسمشر عمربشیر خپل ټارګټ ګرځولې پدې هکله غواړو چې مکث وکړو او د سوډان سره د لویدیځوالو د دښمنۍ حقیقي لاملونه په ګوته کړو. که څه هم لویدیځ یې د خپلې ادعا له مخې د ډارفور د خلکو عامه وژنه ګڼې او هلته په بشري حقونو تیري په ګوته کوي چې ګویې د سودان حکومت یې مرتکب شوی دي، خو حقیقت بل شي دي او هغه دا چې د اسلامي هیوادوله مینځه سودان یوازیني هغه اسلامي هیواد دي چې د عمربشیر واک ته وررسیدو وورسته

> **عمربشیر د سوډان په ګوټ ګوټ کې خپلو پراخو ځمکوته داوبو رسولو سره او په نتیجه کې یې د زراعت په پراخولو سره یوې خوا زراعتي انقلاب راوستي او له بلي خوا یې دلویو لویو صنعتي پارکونه په جوړښت سره هلته د نقلیه وسایلو په شمول د بیلابیل ډول ماشین الاتو د کارخانو او تولیدي فابریکو په جوړلو سره یوستر صنعتي انقلاب م راوستي چي په نتیجه کې یې د سوډان په څیر هغه پخوا وروسته پاتې او بې وزله هیواد نن په یو یادونې وړ زراعتي اوصنعتي هیواد بدل شوي دي**

یې دي داسې پرمختګ او خود کفایې په لوري قدم او چټ کړي چې لویدیځ او په ځانګړې توګه د پانګوالو مشرې امریکې ته د ارتیا سترګې نه راوړي اونه غواړي چې خمونږ د سیمې او نورو اسلامي او عربي هیوادونو په څیر امریکې او لویدیځ ته سوال وکړي او په ورویې بوږشي. ځکه د عمربشیر حکومت د خپلې واکمنی په موده کې په خپل هیواد کې یوستر زراعتي او صنعتي ملموس بدلون راوستي دي. هغه سودان چې پولي واحدیې د جنیه په نوم د مصر له جنیه څخه پنځه برابره ښکته ؤ نن د دغه زیرک پوځي مشرتبه په مثبتو پالیسو او د خود کفایې او استغنا په لور همت سره د دینار په بڼه له مصري جنیه څخه پورته شوي او مصرسره د دې چې د تاریخي آبداتو او آثارو په شتون پراخه سیاحت او سمندري لارو د لرلو سره چې د عایداتو ښې منابع دي، لدې امله چې د امریکې پسې روان او پانګوالو هیوادونو له دربار څخه یو سوال کوونکې هیواد دي، اوس له هغه سودان څخه په اقتصادي وده کې وروسته روان دي چې د نورو افریقایې هیوادونو په څیریو ډیربیو زله او فقیرهیواد ګڼل کیده. خو د عمر بشیر ځوان قیادت که له یوې خواپه سیاسي ډګر کې د خپلو سیالو سیاسي ډلو او ګوندونو او هم د سیمې له هیوادونو سره خپلې اړیکې ښې او د دوستۍ کړي چې د نوموړي غټ سیاسي بریالیتوب ګڼل کیږي، همداسې یې په اقتصادي او فرهنګي ډګر کې هم دومره لاسته راوړې کړي چې په ګوندی یې یو هیواد هم ورسره سیالی ندي پاتي شوي

عمربشیرد سوډان په ګوټ ګوټ کې خپلو پراخو ځمکوته داوبو رسولو سره او په نتیجه کې یې د زراعت په پراخولو سره یوې خوا زراعتي انقلاب راوستي او له بلي خوا یې دلویو لویو صنعتي پارکونه په جوړښت سره هلته د نقلیه وسایلو په شمول د بیلابیل ډول ماشین آلاتو د کارخانو او تولیدي فابریکو په جوړلو سره یوستر صنعتي انقلاب هم راوستي چي په نتیجه کې یې د سوډان په څیر هغه پخوا وروسته پاتي او بې وزله هیواد نن په یو یادونې وړ زراعتي اوصنعتي هیواد بدل شوي دي.

همدارنګه د سوډان سیاسي قیادت او په سرکې یې عمر البشیر، دکتور ترابي او نورو وخت نا وخته خپلې لانجې او مخالفتونه هم لکه چې د دې لیکنې په سرکې ورته اشاره وشوه د سوډان د جنوب قبایلو او د ډارفور لړکیو سره ستونزې په خپل سیاسي بصیرت حل کول. د هغه هیواد په سیاسي ډګر کې غټه لاسته راوړنه اوبریالیتوب دی او هم یې په علمي او فرهنګي ډګر کې د دغه هواد علمي کدرونه، فرهنګي او ادبي شخصیتونه د خپل نوي کول او راتلونکي نسل دلاربښوونې اوروزنې لپاره پوره ورتیا لرونکې او د اسلامي امت او غربي نړۍ په مینځ کې یې د او پرې ویړ کیدونکې شخصیتونه ګرځیدلي دي چې د هغه یوه بیلګه د دې هیواد د تلویزیون او راډیو خپرونې که چا کتلي وي نودرک وکولاې شي چې خمونږ د هیواد د رسینو په خپرولو د نفسي غوښتو او خلا ډکولو رسنۍ نه، بلکې په هر لحاظ غني او تولنې ته یو فکر او وده ورکوونکي خپرونې اورسنۍ دي چې د کلتور او فرهنګ له مخې هم د نورو نمدیتي فرهنګ پرځای د خپل اسلامي، عربي او علمي اوښتون هنداره ده تودسودان دغه هراخیز پرمختګ د دې لامل شوي چې له امریکا او لویدیځ سره یې داویره پیدا کړې چې له یوې خوا د دغه هیواد علمي اقتصادي اوفرهنګي بدلون د نورو افریقایې هیوادونو لپاره په ځانګړې توګه او تولې وروسته پاتې اسلامي نړۍ لپاره په عامه توګه دلارې مشال نشي، چې بیابه نورهم دلویدیځ او امریکې پسې تګ پریږدي او په خپل کورپه هر یو د سودان هغه تجربه کاروي چې سودان د امریکا لخوا ورکړای شوي غنم په سمندر کې وغورځول او د همت متې یې راونغاړلې اونږدي دوه لسیزو په تیریدو سره یې د خپل سیاسي بصیرت او همت په برکت ځان یو زراعتي او صنعتي هیواد وګرځولو. پداسې حال کې چې سودان یوه د ښت هیواد ؤ او زمونږ هیواد چې له پخواڅخه زراعتي او مالداري لپاره برابر هیواد دي د خود کفایې پرځای د بل جیب ته ګوري او د بن د پریکړې راهیسې دادی د اتو کلونو په تیریدو سره هم اوه دیرش ملیارد دالر ولګیدل خودغنمو لپاره هم کله هندوستان او کله پاکستان ته لاس اوږدوؤ. نوزراعت او مالداري خو لاپریږده. نن چې امریکه او لویدیځ سودان د فشار لاندې او بشیرخپل ټارګټ ګرځوي د هغې عمده علت د دغه هیواد د خود کفایې او استغنا اوس دي د سیمې اوټولو اسلامي او عربي هیوادنو لپاره دي بیدچې خمونږ چارواکي هم ورڅخه عبرت واخلي.

نگاهی به استراتژی جدید...

فصل چهارم:

در صورتیکه یک یا چند دولت ثالث در موقع جنگ با یکی از متعاهدین، بیطرفی متعاهد دیگر را نقض کرده و از خاک آن مملکت قشون واسلحه و مهمات جنگی عبور دهد و یا بخواهد نفرات و آذوقه و چهارپایان و کلیتاً هر چیزی را که برای جنگ لازم باشد از آن مملکت تهیه نماید و یا قشون خود را که عقب نشینی می نماید از آنجا عبور دهد و یا سکنهء مملکت بیطرف را برای مقاصد نظامی خود تشویق و وادار به قیام بکند و یا در خاک مملکت بیطرف اکتشافات نظامی بعمل آورد، متعاهد بیطرف ملزم است تا با قوای مسلح خود از علیات مزبور جلوگیری کرده بیطرفی خود را حفظ نماید.

به نقش همسایه های افغانستان در تامین صلح وثبات در افغانستان در طول هشت سال گذشته توجهی نشده بود اما به نظر می رسد که اکنون امریکا دریافته است که بحران افغانستان در چهارچوب ظرفیت های ملی این کشور قابل حل نیست و باید به این بحران با دید منطقوی برخورد نمود.

اما در این استراتژی حکومت افغانستان غرق در فساد ارزیابی شده که نشان از مایوسی امریکا از این دولت دارد شاید به همین دلیل در این استراتژی این مایوسی بشکل کمک های مستقیم به ولایات منعکس شده است. کاری که در آینده ممکن است به گرایش های گریز از مرکز مجال بیشتر بدهد.

در این استراتژی از دیالوگ و گفتگو با طیف خاصی از مخالفین دولت نیز سخن بمیان آمده است اما بدون تردید می توان گفت که این بخش فقط در حد شعار است. طالب میانه رو هیچ نقشی در تامین صلح در افغانستان نخواهد داشت.

این استراتژی هیچ نقشی به دولت افغانستان قایل نیست بلکه از وجود فساد در دولت افغانستان ابراز نگرانی شده است.

در این استراتژی به مسایلی چون دیموکراسی و حقوق بشر و حمایت از آزادی بیان اشاره ای نشده است. از مدتی به اینطرف بعضی از تحلیلگران امور سیاسی در امریکا به این نتیجه رسیده اند که دیموکراسی برای کشوری چون افغانستان با ارزش های نظام قبایلی قبل از وقت است.

فیصله دادگاه عالی یا ستره یا...

می گیرد باید این تفسیرقانونی وحقوقی باشد وقانون اساسی نباید بازیچهٔ دست رئیس جمهورواهداف سیاسی وی گردد.

به باوروی صلاحیت تفسیروتوجیه قانون اساسی ازصلاحیت های لویه جرگه است نه ستره محکه واین نهاد تنها درحیطه وچارچوب قانون عادی کشورمی تواند با استناد ازقانون اساسی تعدیل وتفسیربیاورند.

نکته بارزی که باید به آن توجه صورت گیرد این است ، رئیس جمهورهمزمان که درقدرت است برای قدرت نیزکاندید می باشد این دوپرادوکس چگونه می تواند، جنبه قانونی داشته باشد؟ استاد حقوق وعلوم سیاسی افزود،قطعاً این روند خلاف قانون است زیرا رئیس جمهورمی تواند با استفاده ازقدرت رسانه یی واجرایی درمرکز وولایات، کمپاین کند وفرایند انتخابات را به نفع خود رقم بزنند به باورآقای محمود درصورتی که فیصله دادگاه عملی شود، فرهنگ قانونی شکنی نهادینه می گردد ومیراث منحوس برای نسل های بعدی باقی خواهد ماند وزمامداران بعدی قانون را به رأی خود شان تعییرخواهندکرد.

اما دوکتورعبدالملک کاموی آمرعمومی قوه قضائیه به این باوراست فیصله ستره محکه درروشنانی قانونی اساسی ومنافع علیای کشورصورت گرفته است. اوازمشکلات تخنیکی وتغییروتحول ازلحاظ زمانی مبنی به برگزاری انتخابات یاد آورشده می گوید، منافع ومصلحت افغانستان حکم می کند خلای قدرت به وجود نیامده وروند کاردرساختارواادارات دولتی به کارشکنی وسکتگی روبرونگردد.

گزارش از: نذرالله عنایت

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هشتم - شمارهٔ دوم ۱۵ حمل ۱۳۸۸ - ۹- ربیع الثانی ۱۴۳۰ - 4April 2009

فیصلهٔ دادگاه عالی یا ستره محکمه و نظرات مختلف پیرامون آن



فاضل سانچارکی



عبدالملک کاموی



سید نجیب احمدمحوود

فیصله دادگاه عالی مبنی برادامه کاررئیس جمهور، بحث های داغی را در رسانه ها گشوده است.

اوایل هفته یی که گذشت دادگاه عالی کشورفیصله نمود برای جلوگیری از خلاء قدرت، ریاست جمهوری حامد کرزی ادامه داشته باشد.

تصمیم دادگاه واکنش های مراجع تقنیی، احزاب سیاسی ونهاد های مدنی وحتی کشورهای دخیل درقضیه افغانستان را نیز دربرداشت.

فاضل سنچارکی سخنگوی جبهه ملی بزرگترین تشکل سیاسی موجود در کشور فیصله دادگاه را رد نموده وآن را براینده فشاردولت برقوه قضاییه دانست. سنچارکی این اقدام را تضاد آشکاروقانون شکنی علنی ازسوی دولت عنوان نموده وفرایندآن را به نفع مردم، احزاب سیاسی، ونهاد های مدنی ندانست. به باوروی اقدام دادگاه عالی به بحران بدامنی وبی اعتمادی درکشور دامن زده، شگاف های سیاسی را بیشترمی سازد.

گلرحمن قاضی استاد دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه کابل می گوید : ماده ۶۱ قانون اساسی صراحت دارد، ختم دورکاررئیس جمهوررا ماه جوزا تعیین نموده است ودرمواردی که قانون باید تفسیرگردد، نهادی وجود ندارد که برآن رسیدگی نموده سوء تفاهم را حل نماید. به باورآقای قاضی دادگاه عالی قانون را توجیه نموده است ، نه تفسیر.

بنا برآن ارگانی که بنام کمیسیون نظارت بر قانون اساسی درقانون پیش بینی شده تابه کنون به دلایلی به وجود نیامده است.

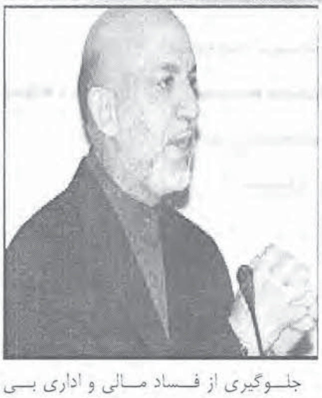
آقای قاضی درتماس با مجاهد افزود، اتحادیه حقوقدانان روزیک شبنه فیصله نهایی خودرا با تأیید براین که جلو قانون شکنی حالا به شکل پیشرفته آن که ازسوی نهاد های دولتی صورت می گیرد، باید گرفته شود، صادر نموده ودرآن دیدگاه های مشخص خودرا راجع به فیصله ستره محکمه ابرازمیدارند.

سید نجیب احمد محمود استاد دانشکدهٔ حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه کابل را جع به فیصله دادگاه عالی کشوروادامه کاررئیس جمهورمی گوید: درهمچوموارد اگرتفسیری ازقانون اساسی صورت

ادامه در ص ۷

نظر مردم در بارهٔ ثبت دارایی های رئیس جمهور

هابیل



چند روز قبل رئیس جمهور در یک نشست خبری ، دارایی خود را به ثبت رساند، رئیس جمهور در این مراسم اظهارداشت که ۲۴۰۰۰ افغانی حقوق می گیرد و حدود ۱۰۰۰۰ دالر در یکی از بانک ها پس انداز دارد. همچنان خانمش ۱۰۰۰۰ دالر زیورات دارد. وی تاکید کرد که دیگر هیچ دارای غیر منقول و یا منقول مانند خانه ویا موتر ندارد.

آقای کرزی بر اساس قانون اساسی دارایی های خویش را به ثبت رسانده است. اما طبق قانون اساسی مسؤولان عالی رتبه باید نخست در آغازبدست گیری پست و بار دوم در پایان ماموریت دارای های خود را به ثبت برسانند.

مردم اعتقاد دارند اکنون که دوران ریاست جمهوری آقای کرزی رو به پایان است، ثبت دارایی یک اقدام نمایشی و یک نوع تبلیغ انتخاباتی است.

برخی دیگر ثبت دارایی را در جلوگیری از فساد مالی و اداری بی تاثیر می دانند، چون در افغانستان تا هنوز سیستم شفاف و قابل اعتباری برای بدست آوردن اطلاعات درمورد سرمایه و دارایی های افراد به میان نیامده است. کسانی که سرمایه های نامشروع بدست می آورند، به آسانی می توانند انکار کنند و حتی ادعا نمایند که هیچ نوع سرمایه منقول وغیر منقول در اختیار ندارند. به علتی که ذکر شد، هیچ کس نخواهد توانست گریبان اختلاس گری را بگیرد و ثابت سازد که او دارایی عامه را به یغما برده است. و اگر کسی بتواند چنین کاری را انجام دهد، این کار بی فایده است، چون کسی قادر به بس گیری آن دارایی به یغما رفته نخواهد بود. چنانچه وزیر ترانسپورت پیشین که متهم به اختلاس یک میلیون دالر بود و به امریکا رفت، کسی نتوانست او را فراخواند.

اکنون این موضوع بیش از گذشته پیچیده شده است، چون کسانی که به بدست آوردن پست های دولتی سرمایه های هنگفت می اندوزند این هوشیاری را دارند که دارای خود را به رخ دیگران نکشند و دست به خرید موتر و خانه و اعمار بلند منزل و مارکیت نزنند. بلکه آن را به خارج ببرند ودربانک های کشورهای دیگر بگذارند، حتی برخی از آن ها به نام همسر، فرزند و یا نزدیکان دیگر خویش ثبت می کنند و هیچ ردپایی به جا نمی گذارند.

شماری هم به صورت مخفیانه در تجارت برادر ویا خویشاوند دیگری سهم می گیرند و ادعا می کنند که بیش ازچند هزار دالر دیگر هیچ سرمایه ندارند.

بنا براین ثبت دارای در افغانستان نمی تواند اقدام موثری برای جلوگیری از ثروت اند وزی نا مشروع و یا تاراج اموال عامه باشد.بلکه درمواردی این کار گمراه کننده هم است، چون شماری به این اجراآت نمایشی باور می کنند و چالاک ترین افراد استفاده جو اختلاس گر برائت و پاکی بدست می آورند و بدین ترتیب در چشم مردم خاک می پاشند.

البته ثبت دارایی راهکار پسندیدهٔ است برای جلو گیری از ثروت اندوزی های نامشروع مسوولان دولت، اما این راهکار زمانی موفق می گردد که میکانیزمی قابل اعتمادی برای تشخیص دارایی و ثروت افراد به میان بیاید و همچنان دولت افغانستان این توانمندی را کسب که متخلفین و محرمین را محاکمه و مجازات کند.

رویدادهای هفته

حمله به دفتر شورای ولایتی قندهار

دفترشورای ولایتی قندهار روز چهارشبنه ۱۲ حمل آماج حملهٔ چهار فرد انتحاری قرارگرفت. شاهدان عینی گفته اند که مهاجمان با استفاده از یونیفورم ارتش ملی و با یک موتر نوع سرف وارد دفتر شورای ولایتی شده و دست حمله زدند که درنتیجه هفت تن کشته و هفده تن دیگر مجروح شدند.

احمد ولی کرزی رئیس ولایت قندهار به خبرنگاران گفته است که رئیس معارف، معاون صحت عامه ولایت قندهار در جمع کشته شدگان رئیس انکشاف دهات و یک عضو شورا آن ولایت در میان مجروحان قرار دارند.

کشته و مجروح شدن هفت سرباز اردوی ملی

سه سرباز اردوی ملی روز یک شنبه ۱۰ حمل بر اثر انفجار ماینی جا سازی شده در کناره جاده یی در ولایت پکتیا کشته شدند.

منابع رسمی گزارش داده اند که این سربازان مربوط واحد کمندوی اردوی ملی بودند و زمانی کشته شدند که موتر عامل شان با یک ماین جاسازی شده برخورد کرد و منهدم گردید.

در این حادثه چهارتن دیگر از سربازان اردوی ملی مجروح گردیده اند. روح الله سمون سخنگوی والی پکتیا وقوع این رویداد را تایید کرده است.

کشته شدن هشت تن در حملهٔ انتحاری در قندهار

مقامات امنیتی اعلام کرده اند که بر اثر یک حمله انتحاری روز دوشنبه ۱۰ حمل در ولسوالی دند ولایت قندهار هشت تن کشته و هفت دیگر مجروح شدند، گفته شده سه تن از کشته شدگان افراد پولیس و باقی غیرنظامیان بوده اند. در خبر آمده است که مهاجم با استفاده از یونیفورم پلیس وارد یک مرکز ثبت احوال نفوس شده و خود را منفجرکرده است.

یک سرباز اردوی ملی دو نظامی خارجی را کشت

گزارش شده است که یک سرباز اردوی ملی در ولایت بلخ با شلیک چند فیر مرمی دو نظامی خارجی را پای در آورد و خودش را نیز کشت.

این حادثه در یک پایگاه نظامی مربوط قول اردوی ۲۰۹ شاهین در ولایت بلخ روی داده است. انگیزه این رویداد به صورت واضح اعلام نشده است.

خسارات شدید ناشی از جاری شدن سیلاب در هرات

مقامات محلی در ولایت هرات در گفته اند که در اثر بارش باران و جاری شدن سیل در بخش های این ولایت حدود چهارصد خانه تخریب شده و در نتیجه آن، حداقل یک نفر کشته شده است.

مقامات همچنین گفته اند که در این حوادث، دو نفر دیگر زخمی شده اند و حدود صد راس گوسفند نیز در اثر جاری شدن سیل در این ولایت از بین رفته است.

احمد یوسف نورستانی، والی هرات، که در یک نشست خبری سخن می گفت این بارندگی و سیل را بی سابقه خواند و گفت بارندگی در روزهای گذشته، شماری از ولسوالی های هرات را خسارتمند کرد که در این میان ولسوالی کهسان با تخریب شدن حدود ۳۵۰ خانه، بیشترین خسارت را دیده است.